

وقتی که یک دانه گندم در درون زمین جای نگیرد ، ان دانه تنها مانده و از بین خواهد رفت

خطبه انجیل یوحنا فصل 12 ایه 20-26



بعد از پایان جگ جهانی دوم مردم زندگی سختی را پشت سر گذاشتند آنها مجبور بودند برای زنده ماندن و سیر کردن شکم شان حتی از ریشه گیاهان وحشی و یا از پوست کفش های کهنه چرمی استفاده نمایند. در یکی از آن روزها خانواده آقای شمیت به صورت اتفاقی یک کیسه پر از گندم بدست می آورد که همین امر باعث خوشحالی خاصی در میان آنها گردید. دختر کوچک خانواده بلافاصله یک دانه گندم برمی دارد و بصورت کاملا اهسته با دندانهای خود که تا مدت طولانی رنگ هیچ غذایی را ندیده بودند می

جود. ولی در آن هنگام پدر خانواده در فکر ایده بهتری بود. او قصد داشت تا همه ان گندم ها را در زمین زراعتی بکارد و برای همین دختر کوچولو بسیار ناراحت و اشک می ریخت. پدر با دیدن این صحنه ، دخترش را در اغوش گرفته و اشک های او را پاک می نماید و به او می گوید که نگران نباشد چراکه ما در سال آینده به مقدار زیادی گندم و نان برای پختن خواهیم داشت. در چشمان دخترک با شنیدن این حرف ها نور امیدی ظاهر می گردد ولی به هر حال او ان شب برای ان گندم هایی که در زیر خاک رفتند گریست. او هر هفته از پدرش راجعه گندم ها سوال می پرسید و پدر به او می گفت که آنها در بهترین خاک حاصلخیز قرار دارند و در یک روز خوب ، برداشت زیادی از آنها خواهیم داشت.

عیسی برای ما همیشه بدین گونه بایستی شرح دهد که از ثمره او چه چیزی بیرون خواهد آمد. و برای شاگردانش این را نیز باید مداوم یاد اور کند که روزی به صلیب کشیده خواهد شد. ولی چه فایده که آنها هیچ وقت هدف از این کار او را متوجه نشدند. بطوری که عیسی تا امروزه هم بایستی این موضوع را باز هم تکرار نماید. ما انسان ها در برخی از اوقات دوست نداریم و یا نمی توانیم که از این موضوع سر در بیاوریم. و همیشه این سوال برای ما پیش آمده است که ثمره اعمال عیسی را کجا می توان یافت؟ عیسی میل دارد تا دید ما را به گندم ها معطوف نماید و به ما می گوید : به بذر های گندم تان نگاه کنید ، زمانی که شما آنها را می کارید سرد و بیجان هستند ولی بعد از مدتی از همین دانه ها محصول زیادی درو خواهید کرد. او در ادامه باز به این نکته اشاره می کند که: وقتی که دانه گندمی در زمین قرار نگیرد تنها باقی خواهد ماند ولی اگر ان در یک زمین حاصل خیز کاشته شود ثمره زیادی خواهد آورد. اکنون ما در اینجا شاهد دو مقوله متضاد از هم هستیم. یکی انکه این دانه گندم بایستی در زمین دفن شود و از بین برود و از طرفی دیگر همین دانه بعد از مدتی خوشه گندمی به بار می آورد. ما انسان ها قضیه دوم را بخوبی می توانیم درک نماییم. ولی در موضوع مرگ و صلیب نمی توانیم بخوبی آگاه بشویم. ان زمانی که عیسی پا به اورشلیم نهاد مردم ان شهر خیلی هیجان داشتند بخاطر اینکه خبر کارهای عجیب او را شنیده بودند او لازاروس را دوباره زنده کرده بود و خیلی معجزات دیگری نیز انجام داده بود. حتی چند تن از یونانی های ان زمان نیز بخاطر او تا شهر اورشلیم آمده بودند. عیسی در اینجا دوباره می گوید که : الان وقت ان است که من به ان جلالی که در اسمان ها داشتم برگردم.

عیسی در ان لحظه به این نکته رسیده بود که دیگر برنامه زمینی او به پایان رسیده است. و او بایستی در مهمترین قسمت سرنوشت زمینی خودش به صلیب کشیده شود. و عیسی در همین موقعیت به عنوان یک دانه گندم قرار می گیرد. و او بایستی با تمام شکوه خودش به سوی مرگ برود. اگر این اتفاق رخ نداده بود ثمره

ای هم در کار نبود. اگر او می خواست تا با کارهای زمینی اش ادامه می داد و تا آخر عمرش معجزات گوناگونی انجام می داد تا همه مردم به او ایمان بیاورند عیسی دیگر خداوند نبود و او فقط بعنوان اصلاحگر زمینیان نامیده می شد. ثمره ای که عیسی از ما انتظار دارد خیلی بیشتر از تصور ما ادمیان است. عیسی قصد ندارد که فقط طرز فکر انسان ها را تغییر دهد بلکه سرنوشت تمام انسانها را در تمام زمان ها تغییر دهد. ولی این تغییر نیازمند یک واقعه ناخوشایند می باشد. و به همین خاطر عیسی بایستی خودش را قربانی می نمود. او همچنین بایستی در وحله اول شاهد ترک پیروان خودش می بود و در وحله دوم با بی اطمینانی و ناامیدی شاگردانش رو به رو می شد. او نمی بایستی فقط به عنوان یک انسان معمولی از بین می رفت بلکه او با تمام اعمال زمینی اش می بایست دفن می شد. که حتی در آخر نیز از طرف خدای پدر تنها بایستی گذاشته می شد. چیزی که عیسی برای ما به عنوان یک دانه گندم شرح می دهد موضوع ساده ای نمی تواند باشد. اگر من بخواهم این موضوع را خوب درک کنم که چقدر می تواند این عمل سخت باشد بایستی اینگونه تصور نمایم که اگر من قرار باشد دست از یکی از ارزوهایم بکشم چقدر می تواند این از دست دادن برای من دشوار باشد. ما همه می دانیم که چه اتفاق های زیادی می تواند در زندگی ما رخ دهد مثلا اگر من بخواهم سلامتی خودم را از دست بدهم و یا اگر سال های جوانی ام را به بیهودگی فدا کنم و یا از دست دادن یک شغل خوب و یا از دست دادن یک رابطه خوب انسانی همه و همه اگر ما بخواهیم اینها را با اعمال عیسی مقایسه بنماییم در انجا می فهمیم که عیسی چه کار عظیمی بر روی صلیب انجام داده است.

عیسی همه این فداکاری ها را برای ما انجام داده است تا ما با قدرت و نیروی خدایی او بتوانیم به زندگی مان ادامه دهیم. او همچنین به ما اشاره می کند که راه ما مسیحیان همانند راه رفته او بسوی صلیب می باشد. که می گوید: کسی که زندگی اش را دوست دارد او ان را از دست خواهد داد و اگر کسی چشم به زندگی دنیوی نداشته باشد زندگی جاویدان را دریافت خواهد کرد و هرکس که می خواهد به من خدمت نماید بایستی دنبال من براه افتد.

این جملات کمی غیر معمول و هراس اور بنظر می رسد. ما انسان ها همچنین زندگی مسیحی واری را برای خودمان تصور نمی کردیم. چقدر می تواند این موضوع سخت باشد که میان دو راه ، یکی را انتخاب بکنیم. جایی که بایستی به زندگی مان ارزش بگذاریم ولی در طرفی دیگر ایمان مان را از دست خواهیم داد و یا زمانی که زندگی زمینی را انتخاب می نمایم بایستی دست از خدا بودن بکشیم؟ امروزه انسان های زیادی در مقابل این مسئله دو راهی قرار می گیرند. حال چه میزان ما انسان ها بجای یک زندگی موفق زمینی یک زندگی جاویدان را با خدا انتخاب نموده ایم.

ما در زندگی بشری تناقض های مختلفی را می بینیم. انسان هایی هستند که تمام زندگی شان را خرج خوشبختی و زندگی شان می نمایند. ما انسان ها دوست داریم که محبت ، خوشبختی و موفقیت را به هر قیمتی که شده بدست آوریم. حال از همه این کوشش ها چه ثمره ای بیرون می آید. این کاملا گویا می باشد که بعد از مدتی همه آنها را به نحوی از دست خواهیم داد. همانطور که در مباحث قبل گفته شد هر باری که ما بخواهیم تصمیمی بگیریم و بذر گندم خود را در زمین بکاریم از طرفی دیگر خوشبختی های زمینی مان را از دست خواهیم داد.

عیسی دوست ندارد که ما این خوشبختی ها را از دست بدهیم بلکه آنها را هم داشته باشیم. او می خواهد ما این خوشبختی ها را داشته باشیم تا بتواند یک قوت قلبی برای پیمودن راه اصلی ما نیز باشد. او میل دارد به ما بیشتر از یک دانه گندم بدهد. او قصد دارد تا تمام محصول گندم ها برای ما باقی بماند برای همین او در جلو و بعنوان راهبر ما قرار دارد. او در روز رستاخیزش برای ما اشکار ساخته است که چطور دیوارهای مرگ و پلیدی را در هم کوبیده است. به همین دلیل ما می توانیم یکی از پیروان او باشیم. ما می توانیم طعم های زیاد خوشبختی را در عیسی حس بکنیم. خوشبختی هایی که در روح و روان مان نمی گنجد. آمین